

Historical study of the position and the structure of the Iranian bureaucracy after Islam until the end of the Safavid period*

Ali Khademipour¹ | Ali Rahimi Sadegh² | Iraj Jalali³

Abstract

1. Introduction

The term "court" has generally been applied to the central government at various times, and in this sense, especially in the Supreme Court, where government affairs are conducted and the state organization is opposed to the military organization, these courts have changed over time. Bureaucracy in French (Bureaucratie) is made up of two parts (bureau) meaning desk and office and the suffix (cratie) meaning "rule". Its Persian equivalent is "bureaucracy". In fact, bureaucracy means a system of rational and lawful functioning. From a theoretical point of view and in the field of historical studies, from the point of view of many historians, the bureaucracy system is a set of the most important institutions that always determine the quality of the performance of governments and governments to their nations and also the degree of survival. And these governments have survived throughout history. Looking at the history of Iran before and after Islam, it can be clearly said that the issue of bureaucracy and the way

* Article history:

Received 29 August 2021

Received in revised form 30 October 2021

Journal of Iranian Studies, 21(41), 2022

Accepted 15 November 2021

Published online: 28 June 2022

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. PhD Student in History of Islamic Nations, Department of History, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. Email: Alikhademi0437@gmail.com
2. (Corresponding Author) Assistant Professor, Department of History, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. Email: ali_rahimisadegh@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of History, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. Email: jalali_i@yahoo.com

of governing the country and the phenomenon of bureaucracy has always been one of the important historical features that has a great impact on governance and bureaucracy in many other countries. It manifests itself to the extent that some historians believe that the way of governing, bureaucracy, bureaucracy and administration of the country that has existed throughout history in many countries of the world is somehow taken and modeled on the common bureaucracy of Iran in different historical periods.

2. Methodology

This article uses the method of historical research, relying on the main sources to study the history, position and structure of post-Islamic Iranian bureaucracy until the end of the Safavid period.

3. Discussion

According to researchers, regarding the history of the court system, one of the human achievements that the world owes its possession to the Iranians is the art of statehood and administrative organization. Therefore, in the field of Iranian judicial system, independent works or in the context of historical studies and researches have been compiled in different periods, each of which has studied the issue of bureaucracy in a specific period of Iranian history, but what is less researchers and historians have paid attention to the knowledge of the Iranian bureaucratic system along with identifying the functions, spirits, attitudes and characteristics of each dynasty and political, social, cultural and economic factors cause or inhibit the fundamental change in the Iranian bureaucratic system throughout history. In the history of post-Islamic Iran, with the formation of semi-independent governments in different parts of Iran, including the eastern regions of Iran, such as Taherians and Saffarians, we see the re-establishment of bureaucracy and the creation of different types of Iranian courts so that each dynasty of the Iranian sultans ruling Iran after Islam until the end of the Safavid period, including (Taherians, Saffarians, Samanids, Al-Buwayh, Ghaznavids, Seljuks, Khwarezmshahis, Mongol Ilkhans, Timurids and Safavids) to manage government affairs and also to manage society affairs by following the example of the former bureaucratic systems that ruled Iran, by making changes and developments, by creating their own bureaucratic systems, tried to

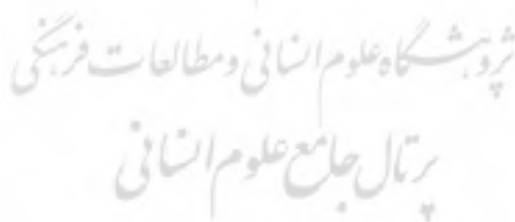
manage government affairs regularly and expand their influence and control over the political developments of their society.

4. Conclusion

The results of this study show that the bureaucracy system in Iran has a historical antiquity that has undergone many changes and developments throughout history according to different historical situations and necessities and needs, despite all the historical ups and downs of the Iranian bureaucracy system. In addition to being stable, it has been able to be a model and basis for the ruling political systems in order to establish an administrative, political and systematic system for governance.

Keywords: Bureaucracy, Islamic Iran, Sovereignty.

How to cite: Khademipour, A., Rahimi Sadegh, A., & Jalali, I. (2022). Historical study of the position and the structure of the Iranian bureaucracy after Islam until the end of the Safavid period. *Journal of Iranian Studies*, 21(41), 99-132. <http://doi.org/00000000000000000000>



بررسی تاریخی جایگاه و ساختار دیوان سالاری ایران بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه*

علی خادمی پور^۱
علی رحیمی صادق (نویسنده مسئول)^۲
ایرج جلالی^۳

چکیده

هدف این پژوهش مطالعه تاریخی، جایگاه و ساختار دیوان سالاری ایران بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه است. از منظر علم تاریخ نظام های دیوان سالاری در طول تاریخ ایران بنا به مولفه ها و متغیرهای گوناگون همچون مذهب، فرهنگ، شرایط اقتصادی و اجتماعی، تحولات سیاسی و تاریخ همواره در حال تحول بوده این پژوهش در پی پاسخ دادن به این سوال است که حکومت های بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه در اداره امور حکومتی تا چه اندازه ضمن الگو برداری از نظام های دیوانسالاری پیشین به چه میزان در سیر تحول جایگاه و ساختار نظام دیوان سالاری ایران بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه تاثیر داشته اند؟ نتایج حاصل این پژوهش نشان می دهد که نظام دیوانسالاری در ایران قدمتی تاریخی داشته که در طول تاریخ بنا به موقعیت ها و شرایط مختلف

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴

DOI: 10.221103/jis.2021.18137.2216

مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۱، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۹۹-۱۳۲

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حق مؤلف © نویسندگان



۱. دانشجوی دکتری تاریخ تمدن ملل اسلامی، گروه تاریخ، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. رایانامه:

alikhademi0437@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. رایانامه: ali_rahimisadegh@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. رایانامه: jalali_i@yahoo.com

تاریخی و ضرورت‌ها و نیازها، دستخوش تغییرات و تحولات متعددی گردیده اما علارغم همه فراز و فرودهای تاریخی نظام دیوانسالاری ایرانی توانسته علاوه بر پابرجا ماندن، الگو و مبنایی باشد برای نظام‌های سیاسی حاکم در جهت برقراری نظامی اداری، سیاسی مدون و منظم جهت حکومت داری. رویکرد مقاله تاکید بر تبیین تحلیلی با اتکا به شواهد توصیفی برگرفته از منابع اصلی و تحقیقی و گردآوری اطلاعات بر پایه روش کتابخانه ای است.

واژه‌های کلیدی: دیوانسالاری، ایران اسلامی، حاکمیت.

۱. مقدمه

اصطلاح دیوان به‌طور کلی در مواقع مختلف به حکومت مرکزی اطلاق شده و در این مفهوم خصوصاً به جای دیوان اعلا نشسته که در آن کارهای حکومتی جریان یافته و تشکیلات کشوری در مقابل تشکیلات لشکری قرار گرفته است، این دیوان‌ها به اقتضای زمان تغییر یافتند.

دیوان سالاری یا بروکراسی به فرانسوی (Bureaucratie) از دو بخش (bureau) به معنی میز و دفتر کار و پسوند (cratie) به معنی سالاری ساخته شده است. برابر فارسی آن «دیوان سالاری» است. در حقیقت دیوان سالاری به معنی یک سیستم کارکرد عقلانی و قانونمند است. (صبری، ۱۳۸۰: ۱۲). نظام دیوان سالاری در جهان قدمتی تاریخی دارد که تقریباً از زمان اولین دولت‌ها و حکومت‌ها در تاریخ به اشکال مختلف وجود داشته است مورخین ایجاد اولین نظام‌های دیوان سالاری را به منطقه بین‌النهرین نسبت داده‌اند و معتقدند که ریشه قدیمی‌ترین نظام‌های دیوان سالاری را باید تمدن‌هایی همچون بابل، آشور، آکد و تمدن ایران جستجو نمود (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۲۱).

از منظر تئوریک و در حوزه مطالعات تاریخی از دیدگاه بسیاری از مورخین، نظام دیوان سالاری (بوروکراسی)، مجموعه‌ای از مهم‌ترین نهادهایی را تشکیل می‌دهد که همواره نقش تعیین‌کننده کیفیت عملکرد دولت‌ها و حکومت‌ها به ملت‌های شان و همچنین میزان مانایی و ماندگاری این حکومت‌ها در طول تاریخ داشته است لذا از این

نظر، نظام دیوانسالاری، مجموعه ای از نهادهای سرنوشت ساز یک جامعه بوده اند لذا همواره در طول تاریخ این نظام و نهادهای تعریف شده آن به شکل قواعد رسمی و غیر رسمی نقش کارکردی مهمی در تغییر و تحولات تاریخی بر عهده داشته اند و به نوعی پایه اصلی ثبات دولت ها و امپراطوری ها، حفظ امنیت حکومت ها در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا حتی سرنگونی حکومت ها بوده اند (فرهنگی، ۱۳۹۳: ۳۲). آون هیوز در جریان مطالعات و تحقیقات خود در خصوص نظام دیوان سالاری در کشورهای مختلف جهان بیان می نماید که از منظر نظری و تئوریک ریشه تغییرات و تحولات نظام های دیوان سالاری را در طول تاریخ در کشورهای مختلف را باید در دو مسئله جستجو نمود اول تغییر و تحولات در نیازهای و توقعات ملت ها از دولت های شان و دوم در افزایش ارتباطات سیاسی و تاریخی حکومت ها و دولت ها با یکدیگر و فرآیند یادگیری و به نوعی الگو برداری آنان از یکدیگر (آون هیوز، ۱۳۸۴: ۳۰۵). اس ان ایزنشتات با ارائه نظریه ای در قالب نوعی تز بر اساس تحقیقات تاریخی در خصوص تحولات تاریخی نظام دیوان سالاری در جهان بیان می کند جوامعی که در طول تاریخ تحت نظامهای سیاسی امپراتوری اداره می شدند، هم اکنون میان نظامهای سیاسی سنتی و نو قرار دارند. مدل او ترکیبی از ویژگیهای هر دو است. «ایزنشتات»، این نمونه ها را امپراتوری های دیوان سالار تاریخی متمرکز یا «جوامع دیوانسالار تاریخی» می نامد. کشورهای نظیر ایران، مصر، چین، و تمدنهایی همچون اینکاها و - با قدری فاصله زمانی، بعدها - امپراتوریهای روم و عثمانی در این نمونه ها جای دارند.

۱-۱. شرح و بیان مسئله

در تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام، موضوع بروکراسی و شیوه اداره امور کشور و پدیده دیوانسالاری همواره بعنوان یکی از مشخصه های مهم تاریخی که تاثیر زیادی در شیوه حکومت داری و دیوان سالاری در بسیاری از کشورهای دیگر داشته خود نمایی می کند تا جایی که برخی از مورخین بر این عقیده اند که شیوه حکومت داری، بروکراسی، دیوان سالاری و اداره امور کشور که در طول تاریخ در بسیاری از کشورهای جهان وجود

داشته است به نوعی برگرفته و الگوبرداری از دیوان سالاری متداول ایران در دوره های مختلف تاریخی بوده است (تنکابنی ، ۱۳۸۳: ۶۵). در تاریخ ایران بعد از اسلام با تشکیل حکومت های نیمه مستقل در مناطق مختلف ایران از جمله مناطق شرقی ایران، نظیر طاهریان و صفاریان، شاهد برقراری مجدد دیوان سالاری و ایجاد اقسام و انواع مختلف دیوان ایران می باشیم به گونه ای که هر یک از سلسله های سلاطین ایرانی حاکم بر ایران بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه شامل (طاهریان ، صفاریان ، سامانیان ، آل بویه ، غزنویان ، سلجوقیان ، خوارزمشاهیان ، ایلخانان مغول ، تیموریان و صفویان) جهت اداره امور حکومتی و همچنین اداره امور جامعه با ضمن الگوبرداری از نظام های دیوانسالاری پیشین حاکم بر ایران ، با ایجاد تغییر و تحولاتی با ایجاد نظام های دیوانسالاری مورد نظر و خاص خود سعی در اداره منظم امور حکومتی و گسترش نفوذ و نظارت خود بر تحولات سیاسی جامعه خود داشتند (ملک زاده و همکاران ، ۱۳۸۳ : ۱۳۲). لذا در همین رابطه این پژوهش با مطالعه تاریخی ، جایگاه و ساختار دیوان سالاری ایران بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه به دنبال پاسخگویی به این سوال اساسی است که سیر تحول جایگاه و ساختار ، در نظام کلان دیوانسالاری حکومت ها و سلسله های ایرانی بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه شامل (طاهریان ، صفاریان ، سامانیان ، آل بویه ، غزنویان ، سلجوقیان ، خوارزمشاهیان ، ایلخانان مغول ، تیموریان و صفویان) چگونه بوده است ؟

۱-۲. روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده استفاده شده و محقق شاخص های مورد توجه در پژوهش را از کلیه منابع معتبر دسته اول و همچنین مطالعات ، تحقیقات و مقالات علمی انجام شده در خصوص سیر تحولات دیوانسالاری ایران بعد از اسلام تا پایان دوره صفویه را مطالعه و فیش برداری نموده و در مرحله بعد با توجه به این شاخص ها اطلاعات بدست آمده با طبقه بندی فیش ها و اطلاعات جمع آوری شده به تجزیه و تحلیل و تبیین تحولات در جایگاه و ساختار دیوانسالاری ایران بعد از اسلام بر سیر تحول در نظام کلان دیوانسالاری حکومت ها و

سلسله های ایرانی تا پایان دوره صفویه (طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل بویه، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان مغول، تیموریان و صفویان) پرداخته و سپس در مرحله آخر به نتیجه گیری نهایی اقدام خواهد شد.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. تحولات دیوان سالاری در تاریخ ایران تا پایان دوره صفویان

به روایت پژوهشگران در خصوص پیشینه نظام دیوان سالاری، از جمله دستاوردهای بشری که جهان، در اختیار داشتن آن را مدیون ایرانیان می داند، فن مملکت داری و تشکیلات اداری عنوان شده است. از این رو، در زمینه نظام دیوانی ایران آثاری مستقل و یا در متن مطالعات و پژوهشهای تاریخی در دوره های گوناگون تدوین و تالیف شده است که هر کدام موضوع دیوان سالاری را در مقطعی خاص از تاریخ ایران مورد مطالعه قرار داده اند اما آنچه که کمتر مورد دقت پژوهشگران و مورخین قرار گرفته است شناخت نظام دیوانسالاری ایران به همراه شناسایی کارکردها، روحیات، نگرشها و خصوصیات هر سلسله و عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجب یا بازدارنده تحول اساسی در نظام دیوان سالاری ایران در طول تاریخ می باشد

۲-۲. دیوان سالاری طاهریان

در اوایل قرن سوم، طاهر بن حسین، یکی از سرداران مأمون عباسی از طرف او امیر خراسان شد و به دلیل آن که عدم اطاعت خود را از مأمون اعلام کرد، اولین حکومت مستقل ایرانی بعد از اسلام در ایران تشکیل شد و حکومت او به طاهریان معروف شد. حکومت طاهریان، بین سالهای (۲۵۹-۲۰۵ هـ.ق) (۸۳۸-۷۸۵ م) در منطقه خراسان، سیستان و افغانستان با مرکزیت نیشابور تشکیل و اقتدار یافت (اکبری، ۱۳۸۸: ۲۱). حدود وسیع قلمرو حکومت طاهریان در خراسان بزرگ وجود دیوانهای مختلف را برای اداره حکومت طاهری، امری لازم می نمود و وجود چنین تشکیلاتی را برای اداره قلمرو خود

کاملاً احساس می‌کردند. ابن‌طیفور اشاره به اقدام طاهر بن حسین به واگذاری بعضی از مناصب اداری چون دیوان رسایل و دیوان خراج به افراد لایق دارد. (ابن‌طیفور: ۱۳۸۸، ۵۸. بنقل از نوری مجیری، ۱۳۹۴: ۲۴۴). البته تغییرات در تشکیلات سیاسی اداری طاهریان اندک بود، همچنان دیوان‌های جیش (ارتش)، عرض، نفقات، استیفاء، رسالت، برید، خراج، مظالم، اشراف، اوقاف، احتساب و وظایف وجود داشتند. تنها گاه حکام به‌عنوان عمال خراج از خلیفه وقت زمان داشتند و به ولایات فرستاده می‌شدند. وضع مالیات در زمان طاهریان مانند زمان صفاریان، ساسانیان بیشتر متکی به تحصیل وجوه برای هزینه‌های محلی و ارسال باقی‌مانده آن به مرکز خلافت بود. در قلمرو طاهریان شهرهای مرو و نیشابور دو مرکز عمده نهادهای اداری محسوب می‌شدند (اکبری، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴). بر اساس مستندات تاریخی دیوان مظالم، قضاوت و دادرسی به‌عنوان اصل اساسی اجرای عدالت در حکومت طاهریان جایگاهی باارزش داشت. آنان برای بهتر اداره کردن حکومت خود به امر قضا و رعایت حال مردم توجهی خاص نشان می‌دادند. منابع از وجود قضات کارآمد در این دوران و رعایت حال آنان خبر می‌دهند. چنانکه ابوعمید قاسم بن سلام و همچنین نصر بن زیاد قاضی نیشابور در زمان عبدالله بن طاهر بودند. طاهریان عملاً پیش از حکمرانی خراسان با تشکیلات قضاوت و دیوان مظالم آشنایی به‌دست آورده بودند. بنابراین با توجه به سیاست آنها در گسترش عدل و نامه طاهر در توجه به امر قضاوت بعید بنظر نمی‌رسد که آنها دیوان مظالم را برای اجرای بهتر عدالت در حکومت خود داشته باشند. حدود اختیارات و قدرت صاحب مظالم از قاضی بسیار بیشتر بوده است و چون طاهریان گاه خود به امر قضاوت می‌پرداختند به این منصب که شامل اختیارات وسیع نیز بوده شخصاً رسیدگی می‌کرده‌اند. منابع همچنین گویای نحوه مجازات‌ها و اجرای حکم در این عصر است. ظاهراً مجازات‌هایی چون بریدن دست و پا، زدن تازیانه و زندانی کردن مجرمان اعمال می‌شده است (نوری مجیری، ۱۳۹۴: ۲۴۶). دیوان رسایل، یکی دیگر از مهم‌ترین تشکیلات اداره حکومت در این عصر بوده است. تهیه اسناد و پیمان‌نامه‌ها و احکام تصدی مقامات و دیگر امور کشوری در سطوح مختلف بر عهده این دیوان بود. اهمیت این دیوان

به گونه‌ای بود که آن را به شکلی همانند دیوان وزارت می‌دانستند. از آنجا که طاهریان با توجه به عدم توسعه فعالیت اداری و تداوم نفوذ حکومت خود از داشتن نهاد وزارت محروم بودند، تمامی کارهای مربوط به اداره قلمرو خویش را در چارچوب وظایف دیوان رسایل می‌گنجاندند. ابن طیفور به صراحت از وجود دیوان رسایل و مهرداری در زمان طاهر بن حسین و شخصی به نام ابوزید که عهده‌دار آن بوده است، یاد می‌کند. بنابراین با توجه به ضرورت دیوان رسایل و روایت ابن طیفور، وجود این دیوان در دوره طاهری امری لازم بوده است. نحوه نگارش نامه و رعایت اصول نامه‌نگاری از وظایف عمده کارکنان دیوان رسایل به حساب می‌آمد، به گونه‌ای که آنها ملزم به رعایت اصطلاحات و واژه‌های مرسوم و متداول برای مخاطبان خود در نامه‌هایشان بوده‌اند. ظاهراً در زمان طاهریان دیوان توفیق و خاتم جزء دیوان رسایل بوده است و در زمان طاهر تمامی این اختیارات بر عهده یک تن بود. از سوی دیگر، این دیوان‌ها آن‌چنان توسعه نیافته بود که خود به شاخه‌های مختلف تقسیم شود، به‌رغم اینکه طاهریان توفیعات و مهرهای خاص نیز برای نامه‌های خود به کار می‌بردند. توفیق در اصطلاح به معنای امضا کردن نامه و فرمان یا نشان گذاشتن بر چیزی و همچنین نوشتن مطلبی در ذیل نامه یا کتاب بوده است. دیوان توفیق یکی از پایگاه‌های نویسندگی به حساب می‌آمد. طاهر بن حسین و عبدالله در نوشتن توفیعات مهارت زیاد داشتند. توجه به مهر و خاتم بر روی نامه‌ها یکی دیگر از ویژگی‌های دیوان رسایل در این دوره است. بنابر رسم معمول حاکمان طاهری مهر مخصوص بانشان خاص برای تایید نامه‌های خود داشتند که نام آنها نیز بر روی آن حک شده بود، به گونه‌ای که بر انگشتر ذوالیمینین این نقش حک شده بود: تسلیم در برابر حق عزت است (نوری مجبری ۱۳۹۴: ۲۴۶-۲۴۷).

۲-۳. دیوان سالاری صفاریان

صفاریان، دودمانی بودند که از سیستان برخاستند (۲۴۷-۳۹۳ ه.ق). سلسله صفاریان با قوت گرفتن یعقوب لیث در سیستان رسمیت یافت. صفاریان نخستین شکاف عظیم را در تمامیت قلمرو عباسی پدید آوردند. طاهریان از میان ملازمان نظامی و اداری خلفا برخاسته

بودند و لیکن قدرت یعقوب بن لیث در سیستان از طریق ارث یا وابستگی اداری به دست نیامده بود (تاریخ سیستان، ۱۳۱۴: ۲۲۲). یعقوب امارت و حکومت خراسان، طبرستان، گرگان، ری و فارس به اضافه ولایت سیستان، کرمان، مکران و سند را همراه با صاحب شرطگی بغداد به جای طاهریان به دست آورد. حکومت صفاری به دلیل عیارمنشی فرمانروایانش و همچنین بی تکلفی و ساده زیستن امیرانش از ماهیتی آزادمنشانه برخوردار بود. لذا از سخت گیری به مردم جلوگیری می شد و به هنگام دریافت مالیات از کسانی که کمتر از پانصد درهم درآمد داشتند، مالیات اخذ نمی شد. به دشواری می توان از لا به لای صفحات تاریخ مطالبی درباره شیوه حکومتی صفاریان به دست آورد. گاه از میزان سپاه، دادن خلعت و لوا یاد می کند. گردیزی می نویسد که عمرولیث دارای چهار خزینه ی سلاح، مال و صدقات سپاه، مال خاص چون غله و ضیاع و خزینه مال از درآمد و احداث (زمین تازه کشت) و حشم بوده است (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۳۳). سپاه صفاری دارای تجهیزات کافی و منجیان (مخبران گزارشگر) بود. تاریخ سیستان حکایت از دادگری ایام حکومت صفاریان دارد. یعقوب شخصاً در روز معین بر خضراء کوشک (میدان قصر) می نشست و به عرض حال و شکایت مردم رسیدگی می کرد (تاریخ سیستان، ۱۳۱۴: ۲۶۵). علاوه بر آن وی دبیرانی را برای رسیدگی به احوال مردم اعزام می داشت. در منابع معتبر تاریخی از دیوان اقطاع، جیش، رسائل، صاحب الشرطه و استیفا، در این دوره ذکر به میان آمده است. امرای صفاری غلامان درگاهی داشتند و شباهت آشکار سلاح، تجهیزات و وظایف این غلامان با غلامان درگاهی غزنویان شگفت آور است. این همانندی مبین نوعی پیوستگی و اتصال در کاربرد فنون نظامی مشرق عالم اسلام بوده است. بنا به گفته ی مسعودی، نگرستن به رشد و پرورش و تربیت غلامان، یگانه سرگرمی یعقوب محسوب می شد. در دستگاه صفاری مواجب هر سه ماه به صورت حواله ای (رزقه، بیستگانی) صادر می شد عارض یا رئیس دیوان امور لشکری (دیوان جیش) اقطاعاتی را دریافت می کرد و میزان آن بستگی به پیروزی های شایانی داشت که در جنگ ها به دست می آمد. راه و رسم تأمین و نگهداری سپاه از طریق عایدات زمین و ضیاع تا آن زمان در خراسان و

مشرق سابقه نداشت و بی گمان صفاریان این رسم را که برگرفته از عراق و مغرب ایران است، متداول کردند (باسورث، ۱۳۶۳: ۱۱۱). از نحوه اداره داخلی ولایاتی نظیر خراسان و فارس در عهد حکومت صفاری چنین استنباط می شود که در این ولایات رفتار محصلان مالیاتی به عنوان نماینده ی سیاست حکومت مرکزی صفاریان، با مردم به بهترین وجه بود. شایان ذکر است حکومت هایی که در سرزمین های اسلامی جانشین قدرت عباسیان می شدند، سازمان های اداری خود را از روی نمونه بغداد می ساختند. یعقوب پس از تسلط بر سیستان، بی درنگ به استقرار دیوان و گماشتن کارگزاران خود بر امور دولت پرداخت و ظاهراً محمد بن وصیف سگزی شاعر و ادیب آن دوره، رئیس دیوان رسایل وی بوده است. تا ایام امارت عمرو، از وزیری که رئیس اجرایی دولت صفاری باشد، خبری در مآخذ نیست. اما از سال های نخست قرن چهارم هجری، همان گونه که گردیزی از خزاین چهارگانه ی عمرو و وزیر این خزاین یاد می کند، در منابع تاریخی بارها از شغل وزارت سخن به میان آمده است. رئیس سازمان مالی کشور اداره ی امور مالی مملکت را با استقلال و بدون نظارت و مداخله مستقیم هیچ فردی انجام می داد و بدین سان صفاریان وظایف وزیر را نیز خود برعهده داشتند و انجام می دادند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۶). در نظام دیوان سالاری صفاریان کارکنان و صاحبان مشاغل دولتی، خود در حقیقت هم عضوی از هیئت حاکمه و هم خدمتگزار طبقه بالا محسوب می شدند. صاحبان قلم در دستگاه صفاریان سخت محترم بودند و بی تردید صفاریان در نوزایی فرهنگ و ادب فارسی در نیمه دوم سده ی سوم هجری بسیار مؤثر بوده اند. (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۲)

۲-۴. دیوان سالاری سامانیان

در رأس حکومت سامانی، امیر اسماعیل بود. در ایام حکومت اسماعیل به ویژه در بخارا، دیوانخانه ای تشکیل شد تا به شکایات مردم رسیدگی کند و از این جهت او را «امیر عادل» و پس از مرگش «امیر ماضی» می گفتند. (گردیزی، ۱۳۶۳، ۱۷۲). نظام حکومتی سامانیان نیز همچنان به کسب مشروعیت از دربار خلافت متکی بود و خلیفه منشور حکومت را برای امرای سامانی ارسال می داشت. تشکیلات دولت سامانی به همراه

تقسیمات مرکزی و ولایتی آن براساس الگوی نظام خلافت بغداد اداره می شد. والیان محلی را پادشاهان تعیین می کردند یا امیران محلی وظیفه ای نظیر والیان بر عهده داشتند. آن ها دست نشاندهان گوش به فرمان امیر سامانی بودند. وظیفه ی اصلی ولات و امیران محلی جمع آوری خراج و مالیات، و به هنگام نیاز، گردآوری سپاه برای دولت بخارا بود. والی خراسان، به مثابه پهناورترین ولایت قلمرو سامانی، معمولاً منصب سپه سالاری (صاحب الجیوش) را نیز بر عهده داشت (ناجی ، ۱۳۸۳: ۱۴۳). وظایف سیاسی میان دربار و دیوان سالاری طبق الگوی بغداد تقسیم می شد. منصب صدارت اعظمی بسیار پراهمیت بود، زیرا وزیری مقتدر قادر بود دیگر مقامات دولتی را عزل، نصب و حتی منصب فرماندهی سپاه را برای خود حفظ کند. وزیر بزرگ، رئیس دیوان یا تشکیلات اداری دولت محسوب می شد و بنابراین با رئیس دربار (حاجب) مسئولیت مشترک داشت. در حقیقت، وزیر دست راست امیر بود و از این رو، در سلسله مراتب فرماندهی بعد از امیر قرار می گرفت. حاجب که در منابع، حاجب الحجاب خوانده می شد هم تراز وزیر دربار کنونی بود. در دوره ی امرای نخستین سامانی، وکیل یا رئیس اهل خانه امیر، بیشتر از حاجب نفوذ داشت. بنابراین، یکی از عوامل مهم ثبات دولت سامانی نظام اداری بود که وزیری با قدرت بر آن ریاست می کرد هرچند در همان هنگام این امکان وجود داشت که میان درباریان مبارزات قدرت طلبانه در جریان باشد (گردیزی، ۱۳۶۳، ۱۶۳-۱۷۱). در رأس دربار، پس از امیر یا حاکم، منصب حاجب الحجاب قرار داشت و به میزان سال های خدمت و وظایف محوله حتی لباس آنان نیز تغییر می کرد، بدین ترتیب که پس از سه سال کار عنوان وثاق باشی (خیمه دار یا حاجب) را کسب می کردند و پس از هفت سال خود می توانستند خیمه و خرگاه داشته باشند. مقام و منصب بعدی درباری صاحب حرس یا امیر حرس بود که مسئولیتی مشابه با شغل رئیس نگاهبانان یا صاحب الشرطه را بر عهده داشت. در عهد سامانی در نواحی تابعه نیز تشکیلات اداری وجود داشته و هر عامل دارای دیوان های مشابه سرای سلطان بود و بدین سان دیوان های متعددی پدید آمده بود در بخارا، پایتخت دولت سامانی ده وزارت خانه (دیوان) وجود داشت که عبارت بودند از: دیوان

صدارت عظمی (وزیر)، دیوان خزانه دار (مستوفی)، دیوان رسایل (عمیدالملک)، دیوان رئیس نگهبانان شاهی (صاحب شرطه)، دیوان رئیس چاپار (برید)، دیوان بازرس مالیاتی و مفتش عمومی (مشرف)، دیوان املاک خصوصی پادشاه (مملکه خاصه)، دیوان رئیس انتظامات (محتسب)، دیوان عطیه های دینی (اوقاف) و دیوان دادگری (قضا) (نرشخی)، (۱۳۵۱، ۳۶). اگرچه با مدیریت وزیری با تدبیر نظام اداری رشد کمی و کیفی می یافت، در هنگام صدارت وزیران ناتوان نیز - هرچند به خواری و بی حاصلی - نظام اداری وظیفه خود را انجام می داد. از ویژگی های مهم نظام دیوان سالاری در عهد سامانیان این است که در نظام اداری عصر سامانی زبان فارسی جریان داشت. این که بعدها در عصر غزنوی، حسن میمندی کوشش کرد تا زبان دیوان سالاری را به زبان عربی برگرداند، خود مبین آن است که قبلاً زبان رسمی دیوان ها فارسی بوده است. گذشته از این که در دوره آل بویه، دبیری با عنوان کاتب رسایل الفارسیه وجود داشت، سیاست نامه ی خواجه نظام الملک گواهی است بر این که تشکیلات اداری دولت بخارا برای سلجوقیان و دولت های بعدی به عنوان الگو و سرمشق محسوب می شده است. امرای سامانی اغلب به خلفا وفادار بودند، خلیفه در بغداد از فعالیت های آنان باخبر بود، سکه ها هم نام امیر سامانی را داشت و هم نام خلیفه را. در منابع تاریخی، همه سلاطین سامانی «امیر» خوانده می شدند که در آن زمان هم تراز نایب السلطنه خلیفه محسوب می شد. سامانیان، نظیر خلفای عباسی لقب سلطنتی داشتند. جدا از این نظام اداری سامانیان که از ویژگی های خاصی برخوردار بود، شایسته است مقامات و القاب این دوره را نیز مورد توجه قرار دهیم. مناصب قاضی القضاة، شیخ الاسلام و یا خطیب در این دوره به طور رسمی پدید آمدند (نظام الملک، ۱۳۳۴، ۲۱۳).

در کل می توان گفت که تشکیلات اداری سامانی آمیزه ای از الگوی ساسانی و ویژگی های محلی آسیای مرکزی و عربی - اسلامی بوده است. بدین سان می توان سامانیان را نخستین دولتی دانست که تشکیلات دیوان سالاری را که خود قبلاً به شدت عربی شده بود از بغداد گرفتند و آن را دوباره ایرانی کردند. نظام دیوان سالاری در عهد

سامانیان بخصوص در دوره وزارت ابو عبدالله جیهانی وزیر نصر سامانی به اوج قدرت و اقتدار خود رسید با الگوگیری و ترکیب دیوان سالاری ساسانی و دستگاه دیوانی اسلامی و دیوان سالاری محلی خاوران در ۱۰ بخش تشکیل شد؛ که عبارت‌اند از: دیوان وزارت، خراج، اشراف، رسائل، شرطه، برید، قضا، حسبه، اوقاف، سپاه، مملکه خاصه و آب. دیوان وزارت در رأس این دستگاه اداری قرار داشت که وزیر یا همان (وزیرالوزرا) آن را اداره می‌کرد او مسئولان دیوان‌های مختلف را انتخاب می‌کرد و بر کار آن‌ها نظارت داشت. دولت‌های غزنویان و سلجوقیان از این دستگاه اداری در حکومت خود استفاده کردند (شهیدی پاک، ۱۳۹۷: ۲۹).

۲-۵. دیوان سالاری آل بویه

سلسله‌ای ایرانی و شیعه، منسوب به بویه معروف به ابوشجاع که در خلال سال‌های (۳۲۲ تا ۴۴۸ق/۹۳۳-۱۰۵۶م) بر بخش بزرگی از ایران و عراق و جزیره تا مرزهای شمالی شام حکومت داشتند. در ابتدای قرن چهارم هجری امرای شیعی مذهب آل بویه که به تازگی موفق به تشکیل حکومت شده بودند، توانستند با حرکت به سمت بغداد از اوضاع آشفته موجود در مفر خلافت عباسی استفاده کرده و کنترل دستگاه خلافت را بدست بگیرند. اداره سرزمین وسیعی که اینک تحت کنترل آنان قرار داشت کار آسانی نبود. امرای آل بویه به ناچار از سیستم اداری موجود استفاده می‌کردند. اما نظام اداری دستگاه خلافت که از همان ابتدا بر مبنای الگوی ایرانی بازمانده از سلسله ساسانیان پی ریزی شده بود حاکمان آل بویه پس از تسلط بر ایران مرکزی و بغداد، برای حفظ و استقرار حکومت، خود را مجبور به داشتن یک دستگاه دیوانسالاری گسترده و قدرتمند یافتند. از این رو، برای تحکیم ساختارهای حکومتی خویش به اقتباس تشکیلات دیوانسالاری از خلفای عباسی و برخی حکومت‌های ایرانی که متأثر از ایران پیش از اسلام بودند، روی آوردند ولی بر اساس نیازها و شرایط حاکم به تغییرات و ابداعاتی در فروع آن پرداختند که این تغییرات از سوی اقتدار و استمرار حکومت آنان را در پی داشت و از سوی دیگر باعث انحطاط و سقوط آن‌ها گردید. این پژوهش با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از

روش توصیفی - تحلیلی به تبیین عملکرد مهمترین دیوان های آل بویه پرداخته تا با بررسی تغییرات و تحولات صورت گرفته در هر یک، نقش آنان در اقتدار و تضعیف حکومت آل بویه مورد بررسی قرار گیرد. یافته های پژوهش حاکی از این است که انحطاط دیوانسالاری آل بویه بیشتر به تعارضات ساختاری دیوان ها باز می گردد تا عوامل بیرونی و صوری و تعارضات ساختاری بود که تشکیلات درونی آل بویه را متلاشی ساخت. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴) در نظام حکومت خاندان بویه، مقام وزارت، پس از فرمانروا، بالاترین مقام بود. عضدالدوله که به تقسیم قدرت میان خلافت و سلطنت اعتقاد داشت، خود را امیر عادل خواند. در واقع عادل به صفتی اشارت دارد که امتیاز ویژه دیرینه پادشاهان ایران بوده است (خوش افتخار، ۱۳۸۳: ۳۶) این لقب بر روی سکه ای با تاریخ ضرب سال ۳۵۰ قمری در شیراز دیده می شود. سکه های دیگری نیز با این لقب در ۳۶۵ و ۳۶۹ ه.ق ضرب شده است نظر به این که عضدالدوله وزیری مسیحی به نام نصر بن هارون در شیراز داشت که به امور رسیدگی می کرد و در همان حال نیز مطهر بن عبدالله در بغداد از جانب وی انجام وظیفه می کرد، می توان گفت که در این دوران، مانند زمان حکومت بسیاری از سران آل بویه، دو نوع وزارت تفویض و تنفیذ وجود داشته است و چنان که پیش از این هم بیان گردید، وزیر تفویض مقام بالاتری نسبت به وزیر تنفیذ داشته است (هادی زاده، ۱۳۹۰: ۶۵) دیوان رسایل در خاندان بویه از اهمیت ویژه ای برخوردار گردید. به ویژه که در نتیجه ی تناقضات پدید آمده ی ناشی از روحیه توسعه طلبانه بزرگ زمین داری و نیز منازعات میان امیران و سلاطین محلی ایران، احتمالاً قلم توانای صاحب دیوان رسایل می توانست بزرگ ترین نقش را بازی کند. به همین سبب در موضوع اهمیت دبیری در آن روزگار، کتاب های بسیار نوشته شده است و به اقتضای موضوع این سمت را در بسیاری مواقع، به خصوص در روزگار آل بویه، « وزیر کاتب » نیز نامیده اند. در دیوان رسایل عده ای به نام « کاتبان انشاء » حضور داشتند که در زمان عضدالدوله از میان دانشمندان انتخاب می شدند. وزیر دیوان رسایل در بارگاه خلیفه یا درگاه پادشاه دفتری مخصوص داشت (محمدی، ۱۳۹۶: ۳۷). دیوان استیفا (دیوان بیت المال از مهمترین ارکان

دیوان سالاری آل بویه بود اقتدار آل بویه تا بغداد را زیر نفوذ داشت. به رغم قدرت استقلال مالی و اقتصادی، هدایا را برای خلیفه می فرستادند. شیراز به عنوان پایتخت اصلی، ضراب خانه داشت. به سال ۳۵۰ه.ق درآمد فارس و راه های آن تحت نظارت ابوالفضل بن عمید بود. در این دوران، خرید و فروش با درهم صورت می گرفت مستوفی دیوان سالار یا وزیر دارایی یعد از وزیر بزرگ مقام دوم را داشت که اغلب هر دو شغل را یک وزیر عهده دار بود. دیوان دیگری که در دوره آل بویه از اهمیت بیشتری نسبت به سایر دیوان ها برخوردار بود، دیوان جیش بود. مقام صاحب الجیشی یا سهپسالاری از طرف پادشاه یا امیر اعطا می گردید. سه سالار در همه جا با اعمال نظر بزرگ زمین داران و پیشوایان دینی و به دست و رأی پادشاه تعیین می گشت. در دوره آل بویه، دیوان جیش را «دیوان عرض» و وزیر آن را عارض می نامیدند. این دیوان به مثابه سازمان و وزارت لشکر محسوب می شد که موجب و سلاح لشکریان را تأمین می کرد عارض هر سال یک بار افراد سپاهی را با تمام جنگ افزارهایی که در اختیار داشتند در جای معینی به حضور شاه می آورد. دیوان نفقات (حسابداری مخصوص)، مسئول رسیدگی و واریسی حساب هزینه های دربار پادشاه بود و به حساب بازرگانانی که تأمین کننده نان و گوشت و دیگر مایحتاج زندگی بودند، رسیدگی می کرد. این دیوان در دوره سلاطین ایرانی به ویژه آل بویه به هزینه هایی که احتیاجات دربار پادشاه را برطرف می کرد و به حساب بازرگانانی که عهده دار تهیه و فروش نان و گوشت و دیگر مایحتاج زندگی بودند، رسیدگی می نمود. اگر بنایی لازم بود می ساخت و به حساب مهندسان، معماران، بنایان و کارگران آن رسیدگی می کرد شایان ذکر است که محل تمامی دیوان ها در پایتخت بود و مقام وزارت بزرگ گذشته از نظارت کل بر این دواوین، مسئولی را با عنوان رئیس دیوان برای نظارت بر این دیوان ها منصوب می کرد. (خوش افتخار، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۲). اصطخری که خود در ایام حکومت آل بویه در فارس به سر می برد در مورد امور دیوانی و اهل دیوان و نیز قابلیت و فعالیت مردم فارس در مسائل دیوانی چنین می نویسد: «اهل دیوان های خلافت و عمال بیشتر از پارس بوده اند... و عمال دیوان های پارس در عمل کافی تر باشند، به حکم آن که در پارس دیوان

های مختلف است... قومی هستند در پارس، ایشان را اهل بیوت خوانند، عمل دیوان ها میراث دارند...» (اصطخری، ۱۳۶۸، ۱۲۸-۱۲۹). (محمدی، ۱۳۹۶: ۳۹).

۲-۶. دیوان سالاری غزنویان

حکومت غزنویان با آلپ تکین شروع شد و با خسرو ملک به پایان رسید. البته حاکمانی چون سلطان محمود غزنوی و سلطان مسعود نیز در این دوران حکومت کردند (مسلمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱). ترکان غزنوی که خود زمانی در رکاب خلیفه عباسی بودند سلسله غزنویان را با مرکزیت شهر غزنی با قلمروی وسیع شامل (ماوراءالنهر، خوارزم، سند و پنجاب، اصفهان، ری و همدان) تاسیس نمودند که نهایتاً با سرآمدن عمر محمود، سلسله غزنوی نیز از سوی اقوام ترک پایه دیگری به نام سلجوقیان به چالش خوانده شد. و نهایتاً "سقوط کرد (رحمتی، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۴). آنچه که از مستندات تاریخی مستفاد می شود نظام حکومتی و دیوانسالاری غزنویان نظامی مستبد سالارانه و متکی بر پادشاهی بوده که در آن تمامی ساختارهای سیاسی و اداری و اجرایی بوسیله شخص شاه وقت تعیین و تمامی مناسب سیاسی از طریق وی به افراد واگذار می گردد در زمان غزنویان نظام سیاسی و حکومتی تغییرات پی در پی به ویژه در ساختار دیوان سالاری را تجربه نمود اما آنچه که مسلم است کشور به وسیله نظام دیوان سالارانه اداره می شد که ریاست هر دیوان بر عهده یک وزیر بوده و تمامی وزرا یا زیر نظر وزیر اعظم دربار و یا زیر نظر مستقیم شاه فعالیت می کرده اند. دیوان جنگ، دیوان وزیر که پس از شاه در راس نظام حکومتی غزنویان قرار داشت، دیوان خزانه حجت، دیوان رسالت (دیوان انشاء)، دیوان عرض، دیوان اشراف، دیوان وکالت و دیوان استیفاء یا دیوان بیت المال نام برد لازم به ذکر است که اداره دیوان های یاد شده در تمامی دوران غزنوی عمدتاً دست دبیران ایرانی بود در صدر تشکیلات اداری و سازمانی سلسله ی غزنوی، دربار یا درگاه بود و نظارت عالی را نیز خود سلطان و امور مستقیم دربار را «حاجب بزرگ» به عهده داشتند. حاجب بزرگ عملاً وزیر دربار بود، امور مربوط به تشریفات دربار، امور داخلی حرم، تعیین مشاغل مربوط و بالاخره پرداخت دستمزدها و غیره را انجام می داد. مناصب امیر حاجب (

رئیس پرده داران) که منابع عصر غزنوی به کرات از آن یاد کرده اند (فرخی ، ۱۳۹۶ : ۳۲-۳۱).

۲-۷. دیوان سالاری سلجوقیان

حکومت سلجوقیان با حکومت طغرل آغاز شد وی با پیروزی بر غزنویان حکومت خویش را تأسیس نمودند و به یاری وزرای بزرگ و دانشمند ایرانی قدرت خود را تثبیت نمودند (علی بنداری ، ۱۳۸۷: ۲۳) از دیدگاه تاریخ سیاسی و بر مستندات بر جای مانده و مطالعات و تحقیقات انجام شده می توان گفت که نظام سیاسی حاکم بر سلسله سلجوقی تقریباً مشابه نظام سیاسی و حکومتی غزنویان بوده و دیوان سالاری غزنویان در حدود زیادی در حکومت سلجوقیان نیز حاکم بوده و اعمال می شده است (هرتسیگ ، ۱۳۹۵: ۵۴-۵۳) بسیاری از مورخان، پیشرفت های حوزه دیوان سالاری در این دوره را به برخی از وزیران به ویژه نظام الملک (متوفی ۴۸۵ه.ق) وزیر الب ارسلان و ملکشاه سلجوقی نسبت می دهند، نظام دیوانی سلجوقی که از یک سلسله اختیارات قانونی همبسته تألیف می یافت که ثباتشان نه تنها بر جدایی نهاد کشوری از لشکری اتکاء داشت، بلکه بر وفاداری شخصی سلطان به خلیفه و اطاعت مأموران از سلطان نیز تأکید می ورزید. مدیریت سازمان حکومت عظیم سلجوقیان را وزیران مقتدری برعهده داشتند که در معیت عده ای از کُتاب و کارگزاران پرورده ی دستگاه غزنویان، امور مملکت و دولت تازه تأسیس سلجوقی را اداره می کردند. مراد از وزارت در دوره سلجوقی اداراتی است که هرکدام از آنها مانند وزارتخانه های کنونی به یک رشته از امور دیوانی رسیدگی می کردند (کلاوستر ، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۳). در عهد سلجوقیان ادارات یا دیوان ها، به مقتضای زمان، تجارب و رأی شخص خواجه ی بزرگ یعنی صدر دیوان وزارت که بعد از سلطان، اول شخص مملکت محسوب می شد، تغییر می کرد لیکن بی گمان اساس تشکیلات و نظام اداری در حکومت سلجوقیان برگرفته از دیوان سلاطین غزنوی بود. امور اداری مملکت در عهد سلاجقه به دست پنج تن که از جهت اهمیت مقام در عرض یکدیگر نبوده اند بلکه هریک مراتبی دیگر داشتند، قرار داشت. این پنج تن هرکدام ریاست دیوانی را برعهده داشتند که می

توان آن‌ها را به ترتیب اهمیت شامل (صدارت یا وزارت، دیوان استیفاء، دیوان طغرا یا رسائل و انشاء، دیوان اشراف و دیوان عرض) بوده اند در دوره سلجوقیان، وزارت از اعتبار و نفوذ ویژه‌ای برخوردار بود و اکثراً وزیر، بدون مجوز سلطان به انجام امور می‌پرداخت (فروزانی، ۱۳۹۸: ۱۴۵). یکی از نهادهای نسبتاً جدید در نظام سیاسی و سازمان حکومتی سلجوقیان نهاد قضاوت (مجلس مظالم) بود که شاه و یا سلطان به طور مستقیم، یا از طریق عمالش در مجلس مظالم اعمال نظر یا وظیفه‌اش را در آن به مقام داور به قاضی تفویض می‌کرد. محاکم در مسجد اقامتگاه قاضی، یا محل مناسب دیگری منعقد می‌گردید. قاضی معمولاً مطابق قوانین و مقررات شریعت را به کار می‌بست. در دوره سلجوقی قاضی به مثابه حلقه ارتباط میان نهاد سیاسی و مذهبی و سلطان و رعایایش نقش بسیار خطیری در حیات امپراتوری ایفا می‌کرد. بر کارگزاران دولتی واجب بود که احکام و فتاوی قاضی را به اجرا درآورند (بهجت و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۱۴). از سایر مشاغل و مناصب سیاسی و حکومتی در دوره سلجوقی می‌توان به مواردی چون (دبیر یا صاحب قلم، اهل مذهب، نهاد اتابکی و دیوان اقطاع) اشاره نمود (اکبری، ۱۳۸۹: ۲۷). در نهایت توسط خوارزمشاهیان، حکومت سلجوقیان نیز به پایان خود رسید.

۲-۸. دیوان سالاری خوارزمشاهیان

دستگاه حکومتی خوارزمشاهیان اعم از کشوری و لشکری زیر نظر سلطان قرار داشت و شخص دوم مملکت وزیر یا خواجه‌ی جهان بود که دیوان وزارت را به نمایندگی از طرف سلطان اداره می‌کرد. معروف‌ترین وزیر در عصر خوارزمشاهیان شهاب‌الدین نسوی نام داشت که از منصب منشی دربار فعالیت خود را شروع کرده بود. در زمان جلال‌الدین اصطلاح وزیر به کار نمی‌رفت و وظایف این منصب را فخرالدین علی جندی انجام می‌داد که سلطان او را شرف‌الملک خطاب می‌کرد (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۱۳۷). بر اساس مطالعات انجام شده این سلسله به کمک کارمندان بومی یعنی کارکنان و دیوانسالاری ایرانی، خود را با رسوم حکومتی، تشکیلات دیوانی و نظام اداری هماهنگ ساختند. در خصوص نظام سیاسی و سازمان حکومتی در زمان خوارزمشاهیان می‌توان گفت از آن جا

که این حکومت، برای پیشبرد اهداف خود، نیازمند تشکیلات دیوانی کارآمدی بود، سلاطین خوارزمیه به ویژه اتسز و تگش علاوه بر حفظ دستگاه دیوان سالاری که مأخوذ از سازمان اداری غزنویان و سلاجقه بود، اقدام به تاسیس نهادهای جدید و تغییراتی در عرصه مزبور کردند. سازمان حکومتی خوارزمشاهیان، بر دو رکن استوار بود: «درگاه» و «دیوان». «درگاه» همان تشکیلات دربار سلاطین خوارزمیه که مناصب «وکیل در»، «طشت دار»، «حاجب» و ... از اجزاء آن بود. «دیوان» که دستگاه اداری خوارزمشاهیان را تشکیل می داد و وزیر در رأس آن به عنوان حلقه اتصال سلطان و دیگر دیوان ها، هم چون «انشاء»، «استیفا»، «اشراف»، «عرض» و ... انجام وظیفه می کرد (باوفادلیوند، ۱۳۸۹: ۲۷). سازمان سپاه و دیوان سالاری دو رکن اساسی تشکیل دهنده یک حکومت و عامل دوام و بقا آن می باشند بطوری که سپاه از کیان و سرزمین دفاع می کرد و در عین حال گسترش قلمرو حکومتی نیز بود و از طرف دیگر دیوانسالاری با اتکا به نیروهای دیوانی خود، قلمرو حکومتی را اداره می کرد. در نظام اداری حکومت خوارزمشاهیان منصب وکیل در به مثابه ی نماینده ی مستقیم ولایات و ایالات در دستگاه حکومت مرکزی وجود داشت و گاه پیش می آمد که خود سلطان شخصی را به نام وکیل که وظیفه وی رساندن دستورها و فرمان های شفاهی شاه به وزیر بود به عنوان معاون و یا رابط بین سلطان و وزیر انتخاب می کرد علاوه بر این منصب رئیس که منصبی کشوری شمرده می شد از مناصب مهم عصر خوارزمشاهی بود. حاکم منطقه با عنوان رئیس و به منزله نماینده رسمی حکومت در ایالات و ولایت محسوب می شد و کلیه ی امور اداری و لشکری را در رابطه با مرکز اداره می کرد (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

۲-۹. دیوان سالاری ایلخانان

تشکیلات دیوان سالاری ایران در عهد حاکمیت مغولان دستخوش دگرگونی های قابل توجهی گردید. در این میان تسلط مغولان و تأسیس سلسله ایلخانی منجر به ورود سنت ها و عناصر جدیدی در تشکیلات مختلف دیوانی مغولی از جمله دیوان قضایی ایلخانان شد که از ختاییان و همچنین یاسای چنگیزخان، اقتباس شده بود. این عوامل جدید

به واسطه حاکمیت سیاسی مغولان، بر تشکیلات قضایی ایران تأثیر بسزایی گذاشت (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴). مهمترین دیوان ها در نظام دیوان سالاری ایلخانی شامل مواردی همچون (دیوان استیفاء، دیوان اشراف، دیوان خزانه، دیوان اراضی، دیوان قضایی، دیوان ارتش و نظامی، دیوان رسائل و ...) می باشند که هر کدام از این دیوان ها در طول حکمرانی ایلخانان به کرات هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ شرح و وظائف محوله دچار تغییر شده اند (قریشی گرین و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴) مورخین بر این عقیده اند که دیوان سالاری دوره مغول و ایلخانی به جهت ورود عناصر بیگانه دیوان سالاری در بدو تشکیل حکومت مغولان در ایران، تا حدودی تشکیلات جدیدی در عرصه امور دیوان به نظام دیوان سالاری ایران افزوده شد و حتی اصطلاحات جدید مغولی و چینی در نظام دیوان سالاری ایران رواج پیدا نمود اما علی رغم همه واگرایی ها و ناسازگاری های اولیه بوجود آمده بین نظام دیوان سالاری کهن ایرانی با عناصر ناظم دیوان سالاری مغولی و ایلخانی، نهایتاً با ورود دیوان سالاران ایرانی به دربار ایلخانان مغول در مناصب مهم دیوانی تا حدود بسیار زیادی عناصر دیوان سالاری مغولان یا عمدتاً با نظام دیوان سالاری کهن ایرانی منطبق شدند و یا حذف شده و از میان رفتند (فرخی، ۱۳۹۶: ۲۴-۲۵)

۲-۱۰. دیوان سالاری تیموریان

ساختار حکومتی تیمور تقریباً همان ساختار حکومتی بر اساس سنت های مغولی و ایلخانی را ادامه داد اما جانشینان تیمور به لحاظ ساختار حکومتی اگرچه وارث تشکیلاتی بودند که تیمور بر اساس سنت های مغولی بنا نهاده بود، اما اندک اندک تغییراتی در آن ایجاد شد یکی از تفاوت های اساسی در ساختار حکومتی جانشینان تیمور با خود او، رجحان دادن قوانین اسلامی بر قوانین مغولی (یاسا) بود شاهرخ، در ۸۱۵ هـ ق قوانین یاسا را لغو و فقه اسلامی را جانشین آن ها کرد. پس از او نیز بیشتر فرمانروایان تیموری، از جمله ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، به رعایت سنت های اسلامی پایبند ماندند (برجی، ۱۳۹۶: ۱۳۴). تشکیلات دیوان سالاری در عصر تیمور همانند دیگر حکومت های چادر نشین پیش و

پس از آن بود. تقسیم بندی اساسی در حکومت تیمور، تقسیم بندی میان قلمروهای ترکی، مغولی و شیوه های یکجانشینی بود. در این دیوانسالاری یک رشته مناصب برای دیوانسالاران ایرانی در خدمت او وجود داشت و مناصبی برای هواداران ترکی - مغولی او بود دیوانسالاران ایرانی در عصر تیمور از پایگاه اجتماعی پایینی داشتند، زیرا حتی نمی توانیم دریابیم که چه کسی در بخش اعظم فرمانروایی تیمور بر دیوان ایرانی ریاست داشت. تیمور به دیوانسالاران ایرانی متکی نبود و از امیران جغتائی که با سنت های ایرانی و شیوه های یکجانشینی آشنا بودند برای محدود کردن قدرت و استقلال آنان استفاده کرد. خواندمیر در کتاب دستورالوزراء می نویسد: که وزیران عصر تیموری به گونه ای چشمگیر کم قدرت بودند. و سلاطین تیموری زود به زود وزیران را عزل و نصب می کردند و اغلب مردانی با تواناییهای اندک را به این منصب می گماردند (ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷)

در دوران تیموریان یک دیوان مرکزی وجود داشت که همراه با شهریار در لشکرکشی ها حرکت می کرد و همچنین یک دیوان محلی در شهرهای عمده قلمروشان وجود داشت. درباره دیوان مرکزی که معمولاً «دیوان اعلی» خوانده می شد، مستندات بیشتری وجود دارد و وظایف اصلی این دیوان عبارت بودند از: جمع آوری مالیات ها، ثبت باجها و اموالی که از خزانه های شهرهای تسخیر شده گرد می آمد و بازرسی دیوانهای ولایات، ایرانیان و جغتائیان در همه این موارد فعالیت داشتند، گویا دیوان اعلی در زمینه برآورد مالیاتها و گردآوری آنها اختیاراتی بسیار داشت بسیاری از کسانی که برای گردآوری مالیاتها به ایالات گسیل می شدند، نماینده دیوان مرکزی بودند. و دیوان اعلی در بازرسی از دیوان های ایالتی و سوءاستفاده های محلی نیز نظارت داشت. در مجموع بر اساس مطالعات انجام شده و مستندات تاریخی نهادهای دیوانی در عصر تیموریان شامل مواردی چون (نهاد وزارت، نهاد صرّات، نهاد قضاوت و نهاد شیخ الاسلامی) بوده اند همچنین سازمان حکومتی تیموریان تشکیل شده از تعدادی از کارگزاران دیوانی و حکومتی بوده که مهمترین این کارگزاران شامل (صاحب دیوان، وزیر، صاحب مال، مفرد

، گردآورنده مالیات ها ، تمغاجی ، داروغه، صاحب منصبان ایالتی ، صاحب منصبان درباری جغتایی و صاحب منصبان لشکری) بوده اند (عزیزیان ، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۴). تیمور بنیانگذار این حکومت علی رغم شهرت در جنگها برای ایجاد یک دیوانسالاری مرکزی منسجم تلاش نکرد و حکومت خود را با اتکا به قدرت فردی و نیروهای وفادار تابع خویش اداره کرد. هر چند این نظام در زمان او کارآیی لازم را داشت و تیمور از آن طریق به اهدافش رسید، اما جانشینان او با چالش های جدی برای تحکیم حکومت خویش و تداوم این سلسله مواجه بودند. بدین سبب بود که جانشینان او با درک این واقعیت که با درآمد ناشی از غارتگری و مالیات های نامنظم توان اداره مملکت را نخواهند داشت؛ تصمیم به احیاء نظام دیوانسالاری گرفتند. از زمان شاهرخ به بعد تا پایان سلطنت حسین بایقرا تلاش هایی برای ایجاد یک دیوانسالاری متمرکز با اتکاء به دیوانسالاران ایرانی آغاز شد. تغییر و تحولات نهاد دیوانسالاری در این دوره تاریخی شامل دو محور اساسی می باشد اول اینکه دیوانسالاری این دوره از نظام دو گانه دیوان اعلی و دیوان توأچی تشکیل می شد که دیوانسالاران ایرانی به همراه امرای جغتایی و شاهزادگان تیموری ارکان اصلی این ساختار بودند و همواره قدرت بین آنان دست به دست می شد. میزان قدرت و نفوذ آنان در دیوان از سلطانی به سلطان دیگر متفاوت بود. مهم ترین کارکرد دیوانسالاری و کارگزاران آن رسیدگی به امور مالیاتی، بازرسی دیوان های محلی ولایات، آبادی بلاد، افزایش درآمدها، رسیدگی به شکایات مالیاتی بود. وزارت دیوان اعلی، امارت دیوان اعلی مهم ترین مناصب این دیوان به شمار می آمدند. دوم اینکه از شاهرخ به بعد با واگذاری اختیارات و قدرت نسبتاً بیشتر به دیوانسالاران ایرانی دوره گذار از نظام حکومت فردی و مرکز گریز به دستگاه دیوانسالاری متمرکز آغاز شد. دیوانسالاری متمرکز در زمان شاهرخ تکوین و در زمان ابوسعید و بایقرا تا حدودی تثبیت گردید، اما سرانجام به سبب مقاومت عناصر مرکز گریز در اواخر حکومت بایقرا جریان انتقال به طور کامل صورت نپذیرفت (صبوری و همکاران ، ۱۳۹۳: ۱۲).

۲-۱. دیوان سالاری صفویان

سازمان حکومتی صفویان در آغاز آمیخته‌ای از ساختار رده‌بندی صوفیان و ساختار سنتی پادشاهی در ایران بود. به این روی که در بالای هرم نیرو شاه جای داشت که هم آدم نخست فرمان‌روایی و هم مرشد کامل بود و پس از او وکیل یا وکیل نفس نفیس همایون بود. وکیل دارای نقش وزیر اعظم (رئیس دیوان‌سالاری) بود و هم میانجی بین مرشد کامل و صوفیان. در ساختار نظامی ایل‌های قزلباش نیز رده‌بندی ایلی صوفیانه وجود داشت. اما دیوان‌سالاری فرمان‌روایی بر اساس ساختارهای کهن ایرانی کار می‌کرد چرا که قزلباشان از آغاز در کارهای دیوانی نقش چندانی نداشتند. نقش شاه به عنوان مرشد پس از جنگ چالدران سست شد و این کار در زمان شاه تهماسب یکم و شاه محمد خدابنده و شاه عباس ادامه یافت، به آرامی نقش باورهای صوفیان در ساختار فرمان‌روایی کاهش یافت به گونه‌ای که رده وکالت به کلی از میان رفت و بسیاری از اختیارات مقام‌های صوفی به مقام‌های دیوانی داده شد. کارهای عامدانه و هوشمندانه شاه تهماسب یکم و شاه عباس یکم در کاهش باورهای صوفیانه، برای کنترل کردن خودسری‌های سران قزلباش در این روند نقش بسیاری داشت (پناهی، ۱۳۸۶: ۶۵).. وزیر اعظم بالاترین مقام اجرایی پس از شاه است و ریاست سازمان دیوانی را بر عهده دارد. وی میانجی دولتیان و شاه است. گزارش‌هایی که از دیوان‌ها و سازمان‌ها برای شاه فرستاده می‌شوند، نخست توسط وی خوانده می‌شود و در صورت خواست وی به آگاهی شاه می‌رسد (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶). در زمان صفویان سازمان قضایی به دو بخش عرفی و شرعی بخش می‌شد. بخش عرفی دربرگیرنده رسیدگی به کارهایی مانند کشتن و زد و خورد و تجاوز (کارهایی که وابسته به نگهداری نظم و امنیت و سازمان سیاسی بود) می‌شد و بخش شرعی دربرگیرنده رسیدگی به دعاوی حقوقی و شرعی بود. ریاست بخش رسیدگی به دعاوی عرفی با مقام دیوان بیگی است و مسوولین رسیدگی به این دعاوی در شهرها نیز داروغه‌ها هستند. ریاست نظام قضایی شرعی نیز بر عهده صدر است. صدر بالاترین مقام دینی در دولت را داراست و خود از میان علمای نامور شیعه گزینش می‌شود. قاضی‌های شرع از

میان علمای شیعه (ملاها) گزینش شده و توسط صدر گماشته می‌شوند. از کارهای دیگر صدر، برداشت و گماشتن شیخ الاسلام‌ها در شهرها و رسیدگی به کارهای موقوفات در همه کشور است. (ویلیم فلور، ۱۳۹۷: ۶۸-۶۶).

در کل در نظام دیوانسالاری صفوی شاه به عنوان عالی‌ترین مقام کشور در رأس تمام امور کشور و دولت قرار می‌گرفت و بعد از او در دوره‌های مختلف وکیل، وزیر، امرای دولت خانه و امرای سرحدی امور کشور را اداره می‌کردند. اگر چه این مناصب در طی مدت حکومت صفویان دچار فراز و نشیب بسیاری شدند اما این حاکی از این است که شاهان صفوی در همه حال سعی در حفظ قدرت انحصاری خود داشتند. در آغاز حکومت صفویه شاه اسماعیل اول برای تبدیل تشکیلات صوفیانه به یک سازمان اداری بسیار می‌کوشید. بعد از شاه طهماسب اول جامعه صفوی دچار تغییر و دگرگونی‌های بسیاری شد. از زمان شاه عباس اول به بعد حذف مقام و کالت و بالا گرفتن قدرت و منزلت منصب وزارت و گرایش به جدایی دین از سیاست از این زمان به روشنی در دولت صفویه هویدا می‌گردد. قدرت منصب امیرالامراء که از اواخر حکومت شاه اسماعیل اول کاهش یافته بود در دوره شاه طهماسب اول جانی دوباره یافت. اما در دوره شاه عباس اول دیگر از این منصب خبری نیست و قطعاً ایجاد سپاهی وفادار به شاه و قدرت‌گیری بیشتر منصب قورچی‌باشی حاکی از عدم وجود منصب امیرالامرای در دوره شاه عباس اول است. در اوایل دوران صفویه در ایالات نیز به دلیل روشن نبودن مرز قدرت والی و دیگر مناصب اختلافاتی ایجاد شد، به جز تداخل وظایف، نارضایتی عمومی مردم از والیان زیادخواه از دیگر عواملی بودند که شاه عباس اول را در تبدیل ممالک به خاصه مصمم نمود و این گونه به تدریج از قدرت قزلباشان کاست و گام مهم‌تر این که برای حفظ زمین‌ها و تسلط بر ایالات، املاک خاصه را وقف نمود و بدین گونه قدرت را در دربار متمرکز نمود. صفویان از نظام دیوانی تیموریان و ترکمانان پیروی می‌کردند با این تفاوت که تعمداً ایدئولوژی شیعی خود را در تمامی امور کشوری در اولویت قرار می‌دادند. اسناد و نامه‌های تاریخی موجود از این دوره نشانگر وجود نظامی منظم و پیچیده است که در واقع

قدرت حکومت مرکزی را نشان می‌دهد که هیچ صاحب منصبی بدون اجازه شاه و امرای معتمدش قادر به انجام هیچ امری نیست (نویدی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷).

۳. نتیجه‌گیری

بر اساس مستندات تاریخی در خصوص نظام دیوان سالاری ایران و سیر تحولات دیوان سالاری ایران می‌توان گفت که نظام دیوانسالاری در ایران قدمتی تاریخی دارد که در طول تاریخ بنا به موقعیت‌ها و شرایط مختلف تاریخی و ضرورت‌ها و نیازها دستخوش تغییرات و تحولات متعددی شده است و علیرغم همه فراز و فرودهای تاریخی همچون حمله اسکندر مقدونی، حمله اعراب، حمله مغولان و ... نظام دیوانسالاری ایرانی توانسته علاوه بر پابرجا ماندن، الگویی و مبنایی باشد برای نظام‌های سیاسی بیگانه حاکم در جهت برقراری نظامی اداری، سیاسی مدون و منظم جهت حکومت‌داری.

تاثیر دیوانسالاری ایران قبل از اسلام بر دیوان سالاری اسلامی در واژه و الفاظ و در محتوی و روش و سامانه‌ها و سازمان‌ها و مناصب دیوان سالاری اسلامی به خوبی مشاهده می‌شود به گونه‌ای که تبار واژه‌های دیوان، طراز، کاردان، وزیر و منصب دبیر و کاتب به دیوانسالاری ایران باستان میرسد که بخوبی نشان‌دهنده فرازمنندی و استمرار روح و ماهیت و پیکره و حتی واژگان و الفاظ دیوان سالاری ایران بر نظام دیوانی و تشکیلات اسلامی و عربی است. علاوه بر این حضور مداوم و همیشگی دانشمندان و دیوانسالاران معروف ایرانی همچون (ابن مقفع، ابو علی بلعمی، ابن عمید قمی، نظام الملک، نصیرالدین طوسی و سایر دانشمندان ایرانی) در مناصب مختلف و در سطوح بالای نظام دیوانی و حکومتی حاکمان اسلامی و تاثیر حضور آنان بر ایجاد و تحولات نظام دیوانی و حکومتی حاکمان وقت با نشان از تاثیر نظام دیوان سالاری ایرانی بر نظام دیوانی، سیاسی و دیوانی حکومت‌های اسلامی و الگوبرداری آنان از نظام دیوانسالاری کهن ایرانی قبل از اسلام دارد.

بعد از ورود اعراب تازه مسلمان به ایران و در دورانی که امیران ایرانی بخصوص با استفاده از ضعف خلفای عباسی بغداد در هر گوشه‌ای از سرزمین ایران به تشکیل حکومت

های مستقل پرداختند، این شهرياران حکومت ها و سلسله های مختلف محلی پراکنده ایرانی نظیر طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل بویه، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان برای اداره سرزمین های تحت سلطه خود، هم زمان ضمن پیروی از مولفه ها و شاخص های دیوانسالاری خلفای اسلامی بغداد، با الگوبرداری از نظام دیوانسالاری ایرانی قبل اسلام از جمله نظام دیوانسالاری ساسانی دارای نظام دیوانی و سیاسی و اجرایی خاص خود نیز بودند.

با حمله مغول به ایران و با از میان رفتن حکومت خوارزمشاهیان و همچنین سرنگون شدن حکومت خلفای عباسی به وسیله هلاکو خان ایلخانان مغول که از پیشینه چندانی در ایجاد و استفاده از نظام دیوانسالاری مدون و منظم برخوردار نبودند، دریافتند که جهت اداره و حکومت بر سرزمین های پهناور تحت تسلط خود نیازمند ایجاد تشکیلات حکومتی، سیاسی و اداری منظم و مدون می باشند لذا طولی نکشید که نخبگان ایرانی زمام از هم گسیخته امور را بدست گرفتند و بار دیگر تشکیلات اداری و نظام دیوان سالاری در ایران این بار در تشکیلات ایلخانان مغول ایجاد و گسترش یافت و بعد ها همین تشکیلات در حکومت تیموریان و بعد از آن در دوره صفویان ادامه پیدا نمود و اداره امور کشور با اتکا به مصداق و اصول دیوانسالاری ایرانی انجام می گرفت.

کتابنامه

- ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن طاهر. (۱۳۸۸). *بغداد فی تاریخ الخلفاء العباسیه*. جلد یکم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- اکبری، امیر. (۱۳۸۹). همانندی دیوان سالاری سلجوقیان با ساسانیان و اهمیت نقش وزیر در آن، *فصلنامه مسکویه*، دوره ۵، شماره ۱۳، صص ۷-۲۸.
- باسورث، کلیفورد، ادموند (۱۳۶۳). *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر
- باوفادلیوند، ابراهیم (۱۳۸۹) تشکیلات دیوانی و سازمان اداری دولت خوارزمشاهیان، *فصلنامه تاریخ*، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۲۷-۴۸.
- برجی، محمد. (۱۳۹۶). *دیوان سالاری عصر ایلخانی*. تهران: انتشارات اختر.

- بهجت ، اکبر و همکاران. (۱۳۸۴). **سلجوقیان از طغرل تا سنجر**. تهران: نشر همادر.
- پناهی ، عباس. (۱۳۸۶). دیوان سالاری صفوی. **فصلنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**. شماره ۱۱۲، صص ۵۲-۵۵.
- (۱۳۱۴). **تاریخ سیستان**. محمدتقی بهار. تهران: نشر پدیده خاور.
- تنکابنی ، حمید. (۱۳۸۳). **درآمدی بر دیوان سالاری در ایران**. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تنکابنی ، حمید. (۱۳۹۹). بازشناسی عوامل موثر در دیوان سالاری تاریخی ایران دوره باستان. **فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی**. دوره ۱۱. شماره ۳۶، صص ۳۱-۵۵.
- جعفری ، محمدمهدی. (۱۳۸۵). ایجاد دیوان های حکومتی در اسلام به تقلید از ایرانیان. **فصلنامه نشر پژوهی در ادب فارسی**. شماره ۲۰، صص ۴۹-۷۶.
- حسنی ، جابر. (۱۳۹۰). سازمان اداری و نظامی صفاریان. **پایان نامه دکترای تاریخ**. دانشگاه پیام نور تهران.
- خوش افتخار ، هادی. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت دیوان سالاری آل بویه. **فصلنامه تاریخ پژوهی**. شماره ۲۱، صص ۱۴-۲۲.
- رحمتی ، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۴). بررسی دیوان سالاری سلجوقیان با تکیه بر تشکیلات قضایی. **فصلنامه تاریخ نو**. شماره ۱۶.
- رحمتی ، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۴). دیوان سالاری ایلخانان. **فصلنامه تاریخ نامه خوارزمی**. سال سوم. شماره ۱، صص ۷۲-۹۱.
- ساسان پور ، شهرزاد و همکاران. (۱۳۹۰). ساختار ، نهادها و کارکردهای نظام دیوانی عصر تیموری. **فصلنامه پژوهش در تاریخ**. دوره ۲. شماره ۴، صص ۳۵-۶۴.
- شهیدی پاک ، محمدرضا. (۱۳۹۷). پدید آمدن ، و فراز مندی و استمرار دیوان سالاری ایرانی در اسلام. **پژوهش نامه مطالعات راهبردی**. دوره ۲. شماره ۱۷، صص ۶۰-۶۶.
- صبوری ، اکبر و همکاران. (۱۳۹۳). دیوان سالاری تیموریان. **فصلنامه پژوهش های تاریخی**. دانشگاه تربیت معلم. تهران: دوره اول. شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۵۴.
- عزیزیان ، عبدالحمید. (۱۳۸۷). دیوان سالاری در عهد تیموری. **مجله رشد آموزش تاریخ**. شماره ۳۱، صص ۳۳-۳۸.
- علی بنداری ، فتح یز. (۱۳۸۷). **تاریخ سلسله سلجوقیان** ، ترجمه محمدحسین جلیلی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایرانیان.

- فرخی، یزدان. (۱۳۹۶). *سیر تحولات دیوان سالاری مغول*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فروزانی، ابولقاسم. (۱۳۹۸). *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*. تهران: سمت.
- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۹۳). *تحلیل تاریخی دیوان سالاری در ایران*. تهران: نشر صاد.
- قریشی گرین، حسین و همکاران. (۱۳۹۵). *دیوانسالاری در عهد مغول و تیمور. اولین کنگره علوم انسانی*. دانشگاه تهران. دوره دوم.
- کامینکا، یوجین. (۱۳۸۰). *دیوان سالاری*. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.
- کلاوستر، کارلا. (۱۳۸۲). *دیوان سالاری عهد سلجوقی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر امیرکبیر.
- گردیزی، (۱۳۶۳). *تاریخ گردیزی*. تصحیح عبدالعلی جبیبی. تهران: نشر دنیای کتاب.
- محمدی، فاطمه. (۱۳۹۶). *مسیر تاریخی آل بویه. فصلنامه فرهنگ پژوهی*. شماره ۳۰، صص ۱۴۹-۱۷۱.
- محمدی، ذکراالله و همکاران. (۱۳۹۲). *عوامل تضعیف دیوان سالاری آل بویه و نقش آن در انحطاط این حکومت. خردنامه*. شماره ۱۰، صص ۶۷-۸۷.
- مسلمی، شهناز و همکاران. (۱۳۹۲). *بررسی و مقایسه دیوان اشراف و برید در دوره غزنویان با دوره سلجوقیان. فصلنامه تاریخ ایران*. شماره ۵۷، صص ۲۳-۴۱.
- ملک زاده، الهام و همکاران. (۱۳۸۳). *سرگذشت صفاریان*. تهران: اهل قلم.
- مهدوی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۶). *دیوان سالاری صفویه و روند تحولات آن*. تهران: نشر متضی دشت.
- ناجی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *سامانیان دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی اسلامی*. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- نرشخی، محمد بنی جعفر. (۱۳۵۱). *تاریخ بخارا*. ترجمه مدرس رضوی. تهران: نشر توس.
- نظام الملک طوسی. (۱۳۴۶). *سیرالملوک، سیاست نامه*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نوری مجیری، مهرداد. (۱۳۹۴). *تحولات نظام دیوان سالاری در ایران. فصلنامه تاریخ پژوهی*. شماره ۶۴، صص ۲۴۳-۲۷۷.
- نویدی، داریوش. (۱۳۸۶). *تغییرات اجتماعی و اقتصادی در عصر صفوی*. تهران: نشر نی.
- ویلم، فلور. (۱۳۹۷). *دیوان سالاری عصر صفویه*. ترجمه حسین روزبه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- هادی زاده ، علی اصغر .(۱۳۹۰). نظام اداری آل بویه . **پایان نامه دکترای تاریخ** . دانشگاه پیام نور تهران .
- هر تیسگ ، ادموند و همکاران.(۱۳۹۵). **سلجوقیان** . ترجمه کاظم فیروزمند . تهران : نشر مرکز .
- هیوز، آون .(۱۳۸۵). **مدیریت دولتی نوین** . ترجمه مهدی الوانی . تهران : نشر مروارید .

References

- Akbari, A. (2010). The similarity of the Seljuk bureaucracy with the Sassanids and the importance of the role of the minister in it. *Moscow Quarterly*, 5 (13), 7-28. (in Persian)
- Ali Bandari, F. (2008). History of the Seljuk Dynasty. Jalili, m.(ed), Tehran: *Iranian Culture Foundation Publications*. (in Persian)
- Aziziyani, A. (2008). Bureaucracy in the Timurid Era, *Journal of the Development of History Education*, 31, 33-38.. (in Persian)
- Bavafadelivand, E. (2010). Diwani Organization and Administrative Organization of Khwarezmshahian Government, *History Quarterly*, 5(18), 27-48. (in Persian)
- Basworth, C. E. (1984). *History of the Ghaznavids*, Anousheh. (ed) Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Behjat, A. & Heykalabadi, s. (2005). *Seljuks from Tughral to Sanjar*, Tehran: Homazar Publishing. (in Persian)
- Borji, M. (2017). *Bureaucracy of the patriarchal era*, Tehran: Akhtar Publications. (in Persian)
- Cluster, C. (2003). *Seljuk bureaucracy*, Azhand, Y.(ed), Tehran: Amirkabir Publishing. (in Persian)
- Farrokhi, Y. (2017). *The evolution of the Mongol bureaucracy*, Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)
- Farhangi, A. (2014). *Historical Analysis of Bureaucracy in Iran*, Tehran: Sad Publishing. (in Persian)
- Floor, W. (2018). *Safavid bureaucracy*, Roozbeh, H. (ed). Qom: seminary and university research institute. (in Persian)

-
- Forouzani, A., (2019). *Seljuks from the beginning to the end*, Tehran: Samt. (in Persian)
- Gardizdi, (1984). *History of Gardizdi*, edited by Abdolali Jabibi, Tehran: *Book World Publishing*. (in Persian)
- Hadizadeh, A., (2011). *Al-Bouyeh Administrative System*, [Unpublished PhD Thesis], Payame Noor University of Tehran. (in Persian)
- Hassani, J. (2011). *Saffarian Administrative and Military Organization*, [Unpublished PhD Thesis], Payame Noor University of Tehran. (in Persian)
- Hertig, E. & et al. (2016). *Seljuks*, Firouzman, K, (ed). Tehran: *Markaz Publishing*. (in Persian)
- Hughes, A. (2006). *New Governmental Management*, Alwani, M. (ed). Tehran: Morvarid Publishing. (in Persian)
- Ibn Tayfur A. (2009). *Baghdad in the history of the Abbasid Caliphate*, Volume I, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. (in Persian)
- Jafari, M. (2006). Establishment of government courts in Islam in imitation of Iranians, *Quarterly Journal of Prose Studies in Persian Literature*, 20, 49-76. (in Persian)
- Kaminka, E. (2001). *Bureaucracy*, Sabri, kh., Tehran: Shirazeh. (in Persian)
- Khosh Eftekar, H. (2004). A Study of the Status of Al-Buwayh Bureaucracy, *Quarterly Journal of Historical Studies*, 21, 14-22. (in Persian)
- Mahdavi, M. & et al. (2017). *Safavid Bureaucracy and its Developments*, Tehran: *Metazi Dasht Publishing*. (in Persian)
- Malekzadeh, E. & et al. (2004). *The story of Saffarian*, Tehran: Ahl-e Qalam (in Persian)
- Mohammadi, F. (2017). The historical course of Al Boyeh, *Cultural Studies Quarterly*, 30, 149-171. (in Persian)
- Mohammadi, Z & Ansari, s. (2013). Factors of weakening the bureaucracy of Al-Buwayh and its role in the decline of this government, *Kheradnameh*, 10, 67-87. (in Persian)

- Moslemi, Sh. (2013). A Study and Comparison of the Court of Aristocracy and Barid in the Ghaznavid Period with the Seljuk Period, *Iranian History Quarterly*, 57.23-41. (in Persian)
- Naji, M. (2004). Samanians of the flourishing period of Iranian Islamic culture, Tehran, *Cultural Research Office*. (in Persian)
- Narshakhi, M. (1972). *History of Bukhara*, Razavi, M. (ed)., Tehran: Toos Publishing. (in Persian)
- Navidi, D. (2007). *Social and economic changes in the Safavid era*, Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Nouri Mojiri, M. (2015). Developments in the Bureaucracy in Iran, *Quarterly Journal of Historical Studies*, 64, 243-277. (in Persian)
- Panahi, A. (2007). Safavid Bureaucracy, *Quarterly Book of the Month of History and Geography*, 112, 52-55. (in Persian)
- Qureshi Green, H. & et al. (2016). *Bureaucracy in the Mongol and Timurid eras*, First Congress of Humanities, University of Tehran, 2. (in Persian)
- Rahmati, M. & Najafi, F. (2015). Examining the bureaucracy of the patriarchs based on judicial institutions , *Quarterly Journal of New History*, 16. (in Persian)
- Sabouri, A. (2014). The position and function of the office of Sadrat in the Timurid period, *Quarterly Journal of Historical Research, Tarbiat Moallem University*, 1 (2), 125-154. (in Persian)
- Sasanpour, Sh. & Eyvazloo, A. (2011). Structure, Institutions and Functions of the Timurid Judicial System, *Quarterly Journal of Research in History*, 2(4), 35-64 (in Persian)
- Shahidi Pak, M. (2018). The emergence, and the Transcendence and Continuity of Iranian Bureaucracy in Islam, *Journal of Strategic Studies*, 2 (17), 60-66. (in Persian)
- Tonekaboni, H. (2004). *An Introduction to Bureaucracy in Iran*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (in Persian)
- Tonekaboni, H. (2020). Recognition of effective factors in the historical bureaucracy of Iran in ancient times, *Cultural Sociology Quarterly*, 11 (36), 31-55. (in Persian)

-
- Tusi, Nizam-ol-Molk. (1967). *Sir al-Muluk: Policy Letter*, Tehran: Gholami and Farhangi Publications. (in Persian)
 - ----- (1935), *History of Sistan*, Bahar, M., Tehran: Padideh Khavar Publishing. (in Persian)

